



■ محسن اسلامی

به بهانه ۱۳ آذر مصادف با مرگ توماس هابز

مطلق‌گرایی قهرمان عرصه‌ی

انگلستان، قرن هفدهم. جنگ داخلی اروپا را فرا گرفته است، جنگ‌هایی به خاطر تعصبات مذهبی. شرارت و سببیت در اوج‌اند. فرقه‌های مذهبی متعصب در پی تسلط بر مردم هستند. شکاکیت جان تازه یافته است. اندیشمندان و افراد آگاه نگرانند که مبادا بی‌خردان و متعصبین، قدرت را به دست بگیرند. در این هیاهو کسی هست که دغدغه‌اش «صلح» است و به دنبال

و حتی درگیر شد. کم‌کم به فلسفه کشیده شد و نقدی نیز بر «تأملات در فلسفه‌ی اولی» دکارت نوشت. او از نخستین کسانی بود که بعضی استدلال‌هایش به وضوح فایده‌گرایانه بود. بعدها بعضی از پیشروان فایده‌گرایی نیز توجه خاصی به او نشان دادند؛ تا این حد که جیمز میل، جان استوارت میل و جرج گروت آثار او را ویرایش کردند. هابز را، هم به عنوان دانشمند علوم تجربی می‌شناختند و هم ریاضی‌دان، همین‌طور کسی که در متافیزیک و معرفت‌شناسی نظراتی دارد و مترجم آثار کلاسیک یونان است. اما آن چه او را چنین شهره کرده است، آثار و نظراتش در اخلاق و سیاست است. دکارت، نظریات هابز را در زمینه‌های متافیزیک و مذاقه‌های فلسفی جدی نمی‌گرفت و از او نقل است که: «این فیلسوف انگلیسی بهتر است به همان فلسفه‌ی سیاسی‌اش بچسبد!» ما نیز، نه صرفاً به خاطر سخن دکارت، روی فلسفه‌ی سیاسی هابز متمرکز می‌شویم.

هابز متفکری است که مشخصاً در پی پاسخی برای دردهای انسان‌های هم‌عصرش بود. به همین خاطر بهتر آن است که متن او را در سیاق زمانه‌اش فهم کنیم. دوران او غرق در جنگ و ناآرامی و وحشی‌گری بود، لذا برای او چیزی جز نجات یافتن از این وضع و حال و رسیدن به صلح و آرامش اهمیت نداشت. رویدادهای زمانه‌اش چنان بود که شکاکیت را توانی نو و جذباتی خاص بخشید و هابز نیز به آن متمایل شد. تغییر و تحولات عصر، اخلاق سنتی را بی‌اعتبار کرده بود. هابز نیز کوشید تا بر اساس «حق صیانت از ذات» اخلاقیاتی نوین سامان دهد. کوشش او برای یافتن این راه‌هایی در فلسفه‌ی سیاسی‌اش تجلی یافته است؛ یعنی در این سه اثر: «اصول قانون»، «شهروند» و «لویاتان». پخته‌ترین و سخته‌ترین بیان او از نظراتش در لویاتان فراهم آمده است.

لویاتان اولین شرح جامع درباره‌ی دولت مدرن است. لویاتان یعنی هیولای دریایی؛ این عنوان از کتاب مقدس گرفته شده است. طرح جلد اولین چاپ کتاب، میانه‌ی قرن هفدهم (۱۶۵۱)، پادشاه غول‌پیکریست که هزارها انسان اجزای سازنده‌ی آن هستند، در یک دست شمشیر دارد و در دستی دیگر عصایی که قدرت مذهبی کلیسا را یادآور است. این طرح جلد، به جد تصویرگر نظریه‌ی هابز در دفاع از «حاکم مطلق» است. هم و غم هابز در این کتاب، نشان دادن یک امر است؛ چرا معقول است که افراد به حاکمی قدرتمند و مطلق، که می‌تواند فرد یا گروهی از افراد باشد، گردن نهند. هابز در این کتاب کوشیده است، دولت سکولار را تبیین کند و لذا خط حائل بین دین و دیانت از یک سو و سیاست و دولت از سوی دیگر می‌کشید. (از مهمترین ویژگی‌های دولت مدرن همین است) به همین دلیل گرچه می‌گفت باید از هر حکومتی که قدرت را در دست دارد پیروی کرد و به آن گردن نهاد، پادشاه هیچ روی خوش به او نشان نداد؛ چراکه هابز هیچ حق الهی برای پادشاه قائل نبود. از آن‌چه هابز می‌گفت، چنین برمی‌آمد که آدمیان برای زندگی‌ای آرام و بی‌جنگ نیاز به قدرتی حاکم دارند، پس قرارداد می‌کنند تا به حاکمی گردن نهند، اما پادشاهان به قدرت و حکومت صرف راضی نبودند و مطلوبشان «حق الهی» و «تأیید خداوند» بود؛ چیزی که هابز به هیچ روی آن را برنتافت. هابز در فلسفه‌ی سیاسی‌اش، هم قهرمان عرصه‌ی مطلق‌گرایی محسوب می‌شود و هم در بنا کردن پایه‌های تفکر لیبرال در اروپا نقش مهمی ایفا می‌کند؛ چرا که بر مفاهیم زیر تأکید قابل توجهی دارد: حق فردی، برابری طبیعی تمام افراد بشر، سرشت ساختگی نظم سیاسی و ...



راهی برای پایان دادن به جنگ‌های داخلی می‌گردد؛ به نظر او جنگ‌های داخلی بدترین بلایی است که گریبان آدمیان را می‌گیرد. شکاک است کم‌توجه به درستی و نادرستی عینی و فلسفه‌بافی، و مسأله‌اش بیشترین حد خوشی برای انسان‌هاست. توسل به راه‌های انگلیسی ترجمه می‌کند تا خطرات دموکراسی را گوشزد کند. او فلسفی نویسی به زبان انگلیسی را آغاز کرد و بزرگ‌ترین فیلسوف سیاسی انگلستان شد و خودش را بنیان‌گذار علم سیاست دانست و شاه‌کارش، «لویاتان»، از مرزهای زمان و مکان گذشت.

توماس هابز Hobbes Thomas (۱۵۸۸ - ۱۶۷۹) در آکسفورد درس خواند و غرق فرهنگ اومانیستی رشد کرد. تا اینکه خانواده‌ای اشرافی کاوندیش او را برای تعلیم و تربیت فرزندان (و کارهای دیگری چون مشاور عمومی خانواده و ...) بکار گرفت. به خاطر این شکل از زندگی طبعاً امکان ازدواج برایش مهیا نبود. به همین دلیل از عواطف نسبتاً به دور بود. در این دوران به همراه فرزند خانواده‌ی کاوندیش که سرپرستی‌اش با او بود، به اروپا رفت و اندیشمندان و بزرگان زیادی را دید. پس از بازگشت از سفرها نیز نامه‌هایی را که از کشورهای دیگر برای خانواده می‌آمد ترجمه می‌کرد. هابز از ونیز هم دیدن کرد، جایی که برای حفظ استقلال در حال مبارزه با دستگاه پاپ بود. در ونیز گروه‌هایی را اعتقاد این بود که جامعه‌ی مرکب از ملحدان نیز می‌تواند جامعه‌ای مدنی و پایدار باشد. این شد که «مقالات» بیکن، به خاطر دفاع‌هایی که از الحاد داشت، مورد توجه آن‌ها قرار گرفت. هابز و کاوندیش رابطه‌ی نزدیکی با بیکن بودند. او مدتی نیز در استخدام خانواده‌ی دیگری بود؛ نتیجه آن که با علم تجربی به شکلی جدی‌تر آشنا